نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶



"هنگامی که همه در خواب بودند شما بیدار بودید.[1]"

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

هژده[2] سال پیش در چنین روزی (۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹، برابر با۹ ژوئیه ترسایی۱۹۸۰)، گروهی از ایرانیان میهنپرست وابسته به شاخه نظامی نهضت مقاومت ملی ایران برهبری دکتر شاپور بختیار در عملیاتی بنام "نجات قیام ایران بزرگ" (نقاب)، با دلاوری و از جان گذشتگی، برای آزادی ایران از چنگال رژیم استبداد مذهبی دست نشانده غرب و اسرائیل بپا خاستند.

هر چند این خیزش ملی ناکام ماند، ولی نام و یاد ۲۴۰ تن شیرمرد و شیرزن آزاده ایرانی که برای آزادی ایرانزمین از چنگال رژیم ایرانستیز و مزدور بیگانه، جان برکف بپاخاستند جاودانه گشت و برگ زرین و پرافتخار دیگری بر کتاب تاریخ مبارزات آزادیخواهانه ایرانیان افزود.

عملیات نجات قیام ایران بزرگ (نقاب)

طرح اجرای عملیات عقاب بدین قرار بود که در روزهای منتهی به ۱۸ تیر ۱۳۵۹ شورشهای مهندسی شده در مناطق غرب کشور بویژه در میان برخی طوایف بختیاری، قشقایی و بویراحمدی ایجاد شود. این شورشها موجب می گشت تا نیروهای سپاه پاسداران و دیگر واحدهای نظامی وفادار به جمهوری اسلامی، تمرکز خود را تهران معطوف آن بخش ها نموده و برای سرکوبی ناآرامیها از پایتخت برون روند. مرحله بعدی آن بود که صدها چترباز نیروی ویژه نیروی زمینی و دهها خلبان نیروی هوایی در دستههای جداگانه به پایگاه هوایی نوژه در همدان رفته و با تصرف این پایگاه، هواپیماهای بمبافکن را در اختیار خود گرفته و به اهداف خود در تهران، قم و شهرهای دیگر حمله ور شوند. پایگاه هوایی نوژه در همدان، پیش از سال ۵۷، "شاهرخی" نام داشت و به همین دلیل، عملیات نقاب به "عملیات شاهرخی" نیز شناخته می شود، ولی در ادبیات رسمی رژیم اسلامی "کودتای نوژه" نامیده میشود.

محل هایی که قرار بوده است بمباران شوند، جماران (محل اقامت روحالله خمینی)، دفتر نخست وزیری، ریاست جمهوری، مدرسه فیضیه قم، دادگاه انقلاب اسلامی تهران، پایگاههای مهم سپاه پاسداران و کمیتههای انقلاب اسلامی و باندهای پروازی پایگاههای شکاری نیروی هوایی از جمله مهم ترین هدفهای این حملات بودند. همزمان، صدها تکاور و سرباز

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

نیروی زمینی ارتش در تهران آماده بودند تا با دریافت علامت، نقاط مهم پایتخت، از جمله رادیو و تلویزیون ملی، وزارتخانهها و نهادهای کلیدی، فرودگاه مهرآباد و دیگر مراکز استراتژیک را تصرف کنند.

هدف دکتر شاپور بختیار و رهبران "نقاب" از این کودتا، براندازی نظام جمهوری اسلامی و روی کار آوردن دولتی انتقالی و موقت به رهبری بختیار بود تا این دولت ملی، زمینه را برای برگزاری همهپرسی فراهم سازد. به نوشته مارک گازیوروسکی، مورخ آمریکایی که پژوهش های فراوانی بر روی عملیات نقاب انجام داده، می نویسد: " -علیرغم آنکه طراحان و حامیان این عملیات افرادی "ملی" و "سکولار دموکرات" بودند، اما در همهپرسی مد نظر آنان بود تا ایرانیان یک حکومت پادشاهی، جمهوری اسلامی، جمهوری سکولار دموکرات یا هر نوع حکومت دیگری که مایل بودند را برای خود انتخاب کنند ".

از آنروی شاهزاده رضا پهلوی، ولایعتهد قانونی، نیز در کنار دکتر بختیار به ایران بازمی گشت تا در زمان همه پرسی و رای مردم به پادشاهی مشروطه، بعنوان وارث تاج و تخت ایران سوگند پادشاهی یاد نماید. ولی شوربختانه، عملیات نقاب پیش از آغاز، بخاطر لو رفتنش در نطفه خفه شد.

افشای عملیات

پس از شکست عملیات نقاب، بسیاری از میهنفروشان که خیانت و دروغ در نهاد و سرشتشان نهادینه شده است، تا بامروز تلاش نمودهاند تا مدال خیانت بزرگ را نصیب خویش سازند. نخست، محمدعلی عمویی، از رهبران حزب توده مدعی می شود که حزب و شخص او بوده است که اطلاعات مربوط به عملیات را در اختیار خمینی گذاشته است. نیز سعید حجاریان مدعی می شود که او در واحد اطلاعاتی آن هنگام ارتش و توسط افرادی دیگر از جمله اعضای حزب توده، از ماجرا مطلع شده و با وارد کردن نیروهای امنیتی و محمد محمدی ریشهری که آن موقع حاکم شرع دادگاههای انقلاب ارتش بود،

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

کودتا را سرکوب کرده است. ریشهری نیز در کتاب خاطراتش نقش سعید حجاریان در مطلع کردن خود را تایید کرده است. بجز این دو تن، نیز ابوالحسن بنیصدر (رئیس جمهور وقت)، محسن رضایی (فرمانده وقت اطلاعات سپاه) و علی خامنهای (معاون وقت وزارت دفاع)، هر کدامشان خود را به عنوان یکی از عوامل اصلی مطلع کردن مسئولان نظام از کودتا معرفی میکنند. همچنین مهران کلبادی میگوید موسی خیابانی، از فرماندهان ارشد سازمان مجاهدین خلق بود که ماجرا را به ابوالحسن بنیصدر اطلاع داد و بنیصدر هم خمینی را در جریان گذاشته بود.

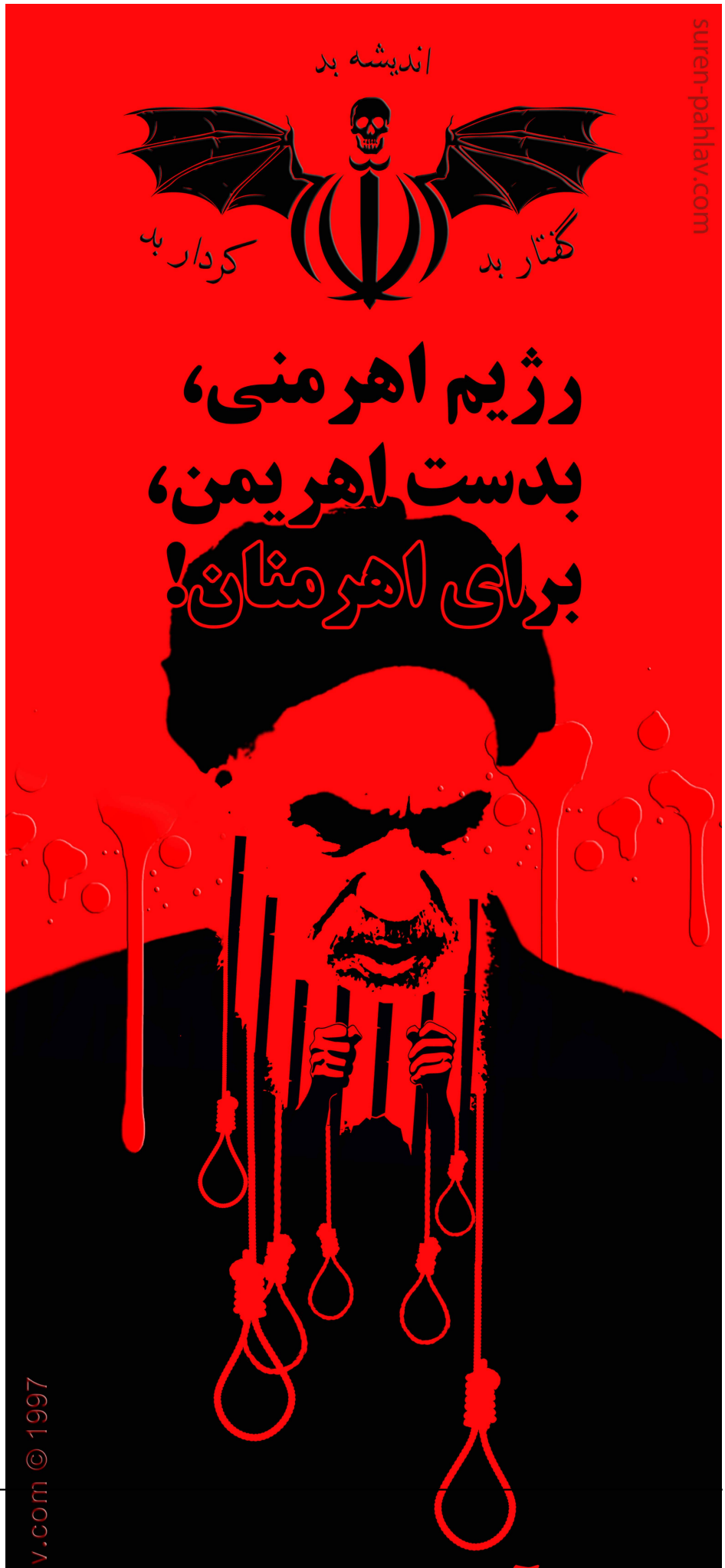
هر چند که نهضت مقاومت ملی ایران در وهله نخست بدون نام بردن از کشوری، مسئولیت افشای عملیات را دو نهاد جاسوسی دو کشور بیگانه اعلام داشت و گمان میرفت که میبایستی یکی از سه سازمان موساد، اینتلیجنس سرویس بریتانیا یا سازمان سیا بوده باشند، ولی اکنون ۱۸ سال پس از آن عملیات، مدارک درون سازمانی و نیز نظامی نهضت نشان میدهند که سازمان موساد بوده است که رژیم را از این عملیات آگاه ساخته و از سرنگونیاش جلوگیری مینماید. این مدارک نشان میدهند که موساد با جاسوسی و دستگاههای شنودی که در دفتر دکتر شاپور بختیار در پاریس کار گذاشته بود به عملیات نظامی نقاب پی برده و رژیم را آگاه میسازد ولی مشکلی که اسرائیلیها و رژیم با ان روبرو بود، در زمان شنود، چون سازماندهی، درون سازمانی و در ایران انجام شده بود، نام هیچکدام از افسران را بدست نیاورده بود و رژیم تلاش نمود تا آنان را شناسایی کند. از سوی دیگر، شخصی بنام ریاحی که پیش از فتنه ۵۷ یکی از ماموران برجسته ساواک بود و پس از بقدرت رساندن رژیم توسط غربیان و اسرائیل در ساخت ساواما نقش داشت، از شراکت برادر زن خویش بنام سرهنگ هوشنگ الف. م. که برحسب اتفاق نیز از بستگان سببی سپهبد آیت محققی(فرمانده عملیات نیروی هوایی عملیات نقاب) نیز بود، در عملیات آگاه میشود. او پس از آگاه ساختن الف. م. مبنی بر آنکه رژیم نسبت به کودتا آگاه است او را قانع میسازد تا برای نجات جان خویش، داوطلبانه نام سران عملیات و شرکت کنندگان را در اختیار رژیم قرار دهد. بدینوسیله با افشای نام سران عملیات، صدها فرد نظامی و غیرنظامی ملیگرا دستگیر و بیدرنگ اعدام میشوند. چند ماه پس از این رخداد، پاکسازی وسیع درونی در ارتش و اعدام گسترده نظامیان ایران صورت گرفت که همزمان با یورش عراق به ایران انجام شد. در نتیجه ارتش از هم پاشیده ایران، توان دفاع منسجم از کشور را نداشت و خرمشهر کمتر از شش هفته پس از آغاز جنگ، به اشغال ارتش عراق در آمد.

باری، اگر بخاطر اسرائیلی ها در یاری رسانی به بقای رژیم و نیز وطنفروشی و خیانت آن مامور پیشین ساواک و سرهنگ الف. م. نبود امروز بجای هژدمین سالگرد بزرگداشت و یادبود جانباختگان عملیات نقاب، می بایستی هژدمین سالگرد سرنگونی رژیم و آزادی ایران را جشن میگرفتیم. جای دارد تا اشاره شود، سرهنگ هوشنگ. الف. م. هر چند که مورد تقدیر رژیم قرار گرفت و مبلغی پول و آپارتمانی بعنوان دستمزد خیانتش را از رژیم دریافت نمود، ولی دیری نگذشت که دچار یک سکته مغزی شد و قدرت سخن گفتن را برای همیشه تا روزی که نفس می کشید را از دست داد.

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

نام ۲۴۰ شیرزن و شیرمرد جانباخته راه آزادی ایران از چنگال رژیم اشغالگر، زنده، روانشان شاد، یادشان گرامی، راهشان پویا و رهروانشان پیروز باد.

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶



فرماندهان نظامی

- تیمسار سپهبد خلبان سعید مهدیون (فرمانده کل عملیات نقاب و فرمانده عملیات نیروی زمینی)؛

- تیمسار سرتیپ خلبان آیت محققی (فرمانده عملیات نیروی هوایی عملیات نقاب)

- تیمسار سرتیپ (کاهش درجه به سرهنگی) هوشنگ بهرامی (فرمانده تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز)؛

- سرهنگ علی مرادی (جانشین تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز).

- افسران نیروی هوایی

سرهنگ خلبان داریوش جلالی

سرگرد خلبان ایرج سلطانیجی

سرگرد خلبان فرخزاد جهانگیری

سرگرد خلبان امیدعلی بویری

سروان خلبان بیژن ایرانژاد

سروان خلبان علیاصغر سلیمانی

سروان خلبان علی شفیق

سروان خلبان کریم افروز

سروان خلبان محمد بهروزفرد

سروان خلبان محمد ملک

سروان فنی (نیروی هوایی) ناصر زرندی

سروان فنی (نیروی هوایی) ناصر رکنی

ستوان یکم خلبان محمد مهدی عظیمیفرد

ستوان یکم خلبان نجات یحیی

ستوان یکم خلبان محمدعلی ثغفی

ستوان یکم خلبان جلال عسکری

ستوان دوم خلبان جعفر راستگو

ستوان دوم خلبان حسین شکری

- همافران جانباخته نیروی هوایی

همافر یوسف پور رضایی

همافر جعفر مظاهری کاشانی

- درجه داران نیروی هوایی

گروهبان بخشعلی کریمیان

- افسران نیروی زمینی

سرهنگ غلام علی وارسته پور

سرهنگ احمد آزموده

سرهنگ ایرج خلف بیگی

سرهنگ حسین مصطفوی قزوینی

سرهنگ رحمت الله خلیفه بیگی

سرهنگ سعید امیری

سرهنگ علی فاریا

سرهنگ غلام محسن بیگدلو

سرهنگ منوچهر صادقی

سرهنگ محمد رضا نادری (هوابرد - چترباز)

سرهنگ نادر وحدتی پور

سرهنگ هادی ایزدی

سرهنگ دوم خسر و زرینه

سرهنگ دوم خلیفه سلطانی

سرگرد اسماعیل نوری مقدم

سرگرد ایرج خلف بیگی

سرگرد بهمن پرتوی

سرگرد سیروس ستوده

سرگرد حسن گوهری

سرگرد کاووس علیزاده

سرگرد محمد حسین عزیزیان

سرگرد محمد هاشم صبوحی مقدم

سرگرد کورس آذرتاش

سرگرد محسن جلالی قاجار (هوابرد - چترباز)

سروان اسماعیل اصغری

سروان سیروس دهقان

سروان علی حیدر آریانا

سروان غلام رضا ثابتی آزاد

سروان فضل الله رئیسی

سروان محمد براتی

سروان نورالله نجف نژاد

سروان هرمز زمان پور

ستوان یکم ابراهیم استاد محمد نظری

ستوان یکم محمد تاجداری

ستوان دوم محمدرضا جوادی

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

سرکار ستوان دوم ا وب حب بی

ستوانیار یکم شکرالله احمدی

ستوانیار یکم منوچهر رهبر نژاد

ستوانیار یکم حسین ها لکی

ستوانیار سوم سیاوش پور فهمیده

ستوانیار سوم اصغر الماسی

ستوانیار سوم رسول یحیی پسند کبوجانی

ستوانیار سوم محمدرضا قربان نجف آبادی

ستوانیار سوم محرم علی زاهدی

ستوانیار سوم فریدون جواهرنیا

ستوانیار سوم فیروز آذریان

- درجه داران نیروی زم نی

استوار یکم عنایتالله آزاد یگانه

استوار یکم حبیبالله احمدی

استوار یکم محمد بهرامی

استوار یکم جمشید بختیار

استوار یکم علیپور کرباسی

استوار یکم ابراهیم جوادزاده

استوار یکم محمدتقی خاتون آبادی

استوار یکم ایرج درخشنده

استوار یکم خداداد رحمتی

استوار یکم جمشید رنجبر

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

استوار یکم ناصر ساجدی

استوار یکم یکم سلامت

استوار یکم محمد عابدینی مقدم

استوار یکم خلیل عطری

استوار یکم علی اکبر عیوضزاده

استوار یکم اسدالله علی پور کرباسدهی

استوار یکم محمد علی فرزام

استوار یکم محمد حسین فرنژاد

استوار یکم جهانگیر فاتحپیروز

استوار یکم جهانبخش فاتحجو

استوار یکم منوچهر فتاحی نوده ای

استوار یکم منصور ساجدی

استوار یکم علی کمپانی

استوار یکم لطف علی لطف الهی

استوار یکم ایرج مرودشتی

استوار یکم محمد علی مهرابی

استوار یکم رسول یحیی پسند

استوار یکم حسن کاظمی (هوابرد - چترباز)

استوار یکم حسن کریمپورتاری (هوابرد - چترباز)

استوار یکم قاسم نقیب زاده (هوابرد - چترباز)

استوار یکم غلام حسین همدانی (هوابرد - چترباز)

استوار یکم مجتبی مرادی (هوابرد - چترباز)

استوار یکم محسن عسکریان (هوابرد - چترباز)

استوار یکم غلامحسین قایق رو

گروهبان یکم سیاوش نوروزی

گروهبان یکم محمد آبادچی

گروهبان یکم علی سعادتی (هوابرد - چترباز)

گروهبان احمد محمدی

گروهبان محمد عابدینی مقدم

گروهبان محمد باقر افتخاری

گروهبان محمد رسول ابریشمی

گروهبان مصطفی حجازی

گروهبان خلیل خباز هاشمی

گروهبان غلام حسین خرقانی خوب

گروهبان مرتضی فرح پور

گروهبان جهانبخش فاتح جو

گروهبان منصور کثیر لو

گروهبان محمود کیانی فر

گروهبان علی مروارید

گروهبان محمد تیغ تیز

گروهبان محمد جواد میر مالکی

گروهبان خسرو محمدی کوبائی

- شهربانی کل کشور

سرهنگ سعید امیری

غیرنظامیان:

ذبیح لله مومنی (دانشجو)

محمد ده پهلوان (پزشکیار)

مریم حجازی (کارمند نیروی زمینی)

جلیل سلطانی

محمد ارونی

عبدمحمد ارونی

سیاوش مومزائی

علی رحم صالحی

امیدوار آتش پرور

کمال سامع

رحمان مجاورصوفی

خلیل درویش

محمدکریم رکنی والا

ابرا□یم ستوده

منوچهر کریمی

سیاوش □متی

اصغرلله وردی

ابرا□یم کریمی

حسین کریمی

ابرا□یم بیگلری

جمشید شمالی

مرتضی سو□انکی

بی بی نیکبخت (۶۷ ساله، مادر سروان فنی نیروی هوائی، ناصر رکنی)

جعفر رحمتی.

همچنین، نام ۳۲ تن از دیگر شرکت کنندگان نظامی و غیرنظامی هرگز فاش نشد و اکثریت هنوز در ایران بسر میبرند. پنهان ماندن نام این گرامیان بدان علت بود که نام و وظایف یکایک آنان که بر روی کاغذی نوشته شده بود، اتفاقی گم یا نابود میشود. از آنروی رژیم نتوانست تا آنان را شناسایی و بقتل رساند. نام این ۳۲ آزاده و قهرمان ملی که سه تن از آنان از افسران عالیرتبه ارتش شاهنشاهی بودند، در آینده و پس از آزادی ایران از چنگال رژیم اهرمی اسلامی، آشکار خواهد شد.

جنایات دو رژیم اهرمنی و اشغالگر جمهوری اسلامی و اسرائیل را "نه میبخشیم و نه فراموش میکنیم".

پاینده و جاودان باد ایرانزمین.

شاپور سورنپهلو

لندن – ۱۸ تیرماه ۱۳۷۷

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

9th July 1998

پی نوشته ها

1 - در روز ۲۰ جولایِ ۱۹۴۴ گروهی از ارتشیان المانی بر علیه هیتلر بپاخاستند تا آلمان را از مرگ و نابودی نجات دهند که ناکام ماند، ولی پس از فروپاشی رژیمِ هیتلری، ملت آلمان از در قدردانی از جانبازی های آنان، بر روی سنگِ یادبودشان نوشتند: «هنگامی که همه در خواب بودند، شما بیدار بودید.»

2 - توضیح: آوانویسی برای شماره ۱۸ در زبان فارسی، هجده و هیجده می باشد، که ساختاری از هشت+ده است، ولی کهن ترین واژه و درست برای این شماره "هژده" است، که به گمان زیاد بخاطر نبود واک "ژ" در زبان تازی "ج" نوشته شده و امروز بکار می رود.

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۳۷۷ ساعت ۰۹:۰۶

#419ab3